هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان و مال جهادکردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان



مرحلهٔ جوانی از دو حالت بیرون نیست، یا تجلی گاه عالی ترین ارزش های اخلاقی و انسانی، یا اینکه خدای ناخواسته پرتگاه سقوط و بدبختی ها است. اگر مربیان و بزرگان متوجهٔ نسل جوان نباشند، آنها در لجن زار غرایز سقوط می کنند و این سرمایهٔ بزرگ از دست ملت ها می رود.
از سخنان رهبر شهید

دور ششم –سال چهاردهم – شمارهٔ دوازدهم ۲۳ جوزای ۱۳۹۴ ۲۵ شعبان المعظم ۱۴۳۶ 13 June 2015

فرماندهٔ عمومی نیروهای ناتو در افغانستان،در دیدار و مشوره با مجاهدان



جنرال جان کمبل فرماندهٔ عمومی نیروهای ناتو در افغانستان، با شماری از فرماندهان پیشین جهادی و اعضای شورای ملی در اقامتگاه محترم صلاح الدین ربانی وزیر امور خارجه و رئیس جمعیت اسلامی افغانستان، در مورد مشکلات و تهدید های جدید امنیتی دیدار و مشوره نمود.

در این دیدار، افزون بر صلاح الدین ربانی رئیس جمعیت اسلامی افغانستان، کلیم الله نقیبی معاون این حزب، فرمانده گدا محمد خالد، میر امان الله گذر، جان احمد خان، سمیع الله قطره، میرداد نجرابی، جلال باجگه، محمد عظیم محسنی، قاضی عبدالرحیم رهین، حبیب افغان، آمر چوپان فاریابی، آمرغنی بادغیسی، سلیمان امیری، معلم شاه ولی، انجینیر عجب گل، انجینیر عبداللطیف احمدزی، سیدعبدالقدیر صیاد، عبدالغفار پاچا، آمر عبدالستار غوربندی، ملک عطاء الله، قوماندان عبداللطیف، معلم عبدالقادر بامیانی و شمار دیگری از فرماندهان پیشین جهادی نیز، حضور داشتند.

در این دیدار، فرماندهان پیشین جهادی با اشاره به نقش مجاهدین در مقاومت و سپس شکست گروه طالبان و القاعده، تأکید کردند که پس از شکست طالبان در سراسر کشور و شکل گیری نظام سیاسی جدید ص۲

اعتراض مدنی معلمان

عبدالعلی کوهی/استاد دانشگاه کابل

صدای یکی از معلمان معترض در بی بی سی چنین شنیده می شد: (شکم یک معلم با شکم رئیس جمهور، وزیر و مقامات دولتی چه تفاوتی دارد؟) اما معلم بی خبر از آنست که شکم تا شکم است.

کشور های پیشرفته مرهون زحمت کشی های معلم خود است. و از این رو در بسیاری از کشور ها حقوق معلم بالاتر از حقوق یک جنرال در ارتش است؛ اما در کشور هایی چون افغانستان و کشور های افریقایی، عربی و آسیایی معلم کمترین حقوق را بدست می آورد. در برابر این بی اعتنایی معلم، دیده می شود که در مکاتب از کیفیت و رشد معنوی نو باوه گان این کشور ها خبری نیست. همان بر خوردی را که دولت در برابر ص۶



توافق وزارت های امور خارجه افغانستان و تاجیکستان

ص۵



جلسهٔ هماهنگی بخاطر؛
برگزاری ششمین کنفرانس همکاری های اقتصادی منطقه یی در کابل

جلسهٔ هماهنگی کمیسیون برگزاری ششمین کنفرانس همکاری های اقتصادی منطقه یی برای افغانستان، قرار است به تاریخ ۱۲–۱۳ سنبله سال جاری، به میزبانی جمهوری اسلامی افغانستان در کابل دایر گردد.

به منظور راه اندازی بهتر این کنفرانس، بتاریخ ۲۰ جوزا، سفرای برخی کشورها و نمایندگان سازمان های بین المللی مقیم کابل، به وزارت امور خارجه فرا خوانده شده بود و صحبت های همه جانبه در مورد صورت گرفت. در این نشست، پریزینتیشن معلوماتی از سوی رئیس همکاری های اقتصادی وزارت امور خارجه روی چگونگی آمادگی، و ترتیبات برگزاری ششمین کنفرانس همکاری های اقتصادی منطقه یی برای افغانستان و موضوعاتی که در آن به بحث گرفته خواهد شد، به اشتراک کنندگان شریک ساخته شد.

خط راه آهن از تاجیکستان از مسیر افغانستان به ترکمنستان، پروژهٔ انتقال انرژی برق از همین مسیر و همچنین خط لولهٔ گاز و دیگر پروژه های اقتصادی در جریان کار کنفرانس و هم در ملاقات های چند جانبه در حاشیهٔ ششمین کنفرانس همکاری های اقتصادی منطقه یی برای افغانستان، مورد بحث و گفتگو قرار خواهد گرفت.

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: شهید استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیئت تحریر
آدرس: کوچهٔ اول سرک لیسهٔ نادریه – عقب تلویزیون نور.
شمارهٔ تلفن:۰۷۸۸۴۰۸۶۳۵/ ۰۷۷۲۰۳۶۴۱۲
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo&hotmail.com

سرمقاله

چالش هایی؛ سر راه تذکرهٔ برقی!

نگرانی هایی وجود دارد که تمویل کننده گان تذکرهٔ برقی کمک های شان را به این اداره قطع خواهد کرد. این مطلب را رئیس عملیاتی توزیع شناسنامهٔ برقی، هفتهٔ گذشته در کمیسیون امنیت داخلی و امور دفاعی مجلس سنا گفته است. به گفتهٔ وی، تمویل کننده های توزیع تذکرهٔ برقی، حدود ده روز وقت تعیین کرده اند، اگر این روند آغاز نشود، پول پروژه قطع خواهد شد.

هر نوع سهل انگاری و به تأخیر اندازی این سند مهم هویتی، از سوی هرکی باشد خلاف قانون بوده و خیانت کلان ملی پنداشته می شود. توزیع تذکره های برقی که حدود چهار سال پیش در دستور کار دولت قرار داشت، زمینهٔ کاری آن مهیا گردید، افرادی به منظور راه اندازی این پروسهٔ ملی استخدام و چند سال است معاش و امتیاز می گیرند، قانون ثبت احوال نفوس از سوی هردو اتاق پارلمان تصویب و در ماه قوس ۱۳۹۳ از سوی رئیس جمهور توشیح گردید، دیگر چی چالش کلانی سر راه این پروسه قرار گرفته که مسوولان در انجام آن عاجز مانده اند. باید در این زمینه پاسخ روشن ارایه گردد.

دراین مدت بارها ریاست جمهوری، وزارت های امور داخله و مخابرات و تکنالوژی معلوماتی از آماده گی ها و توزیع زود هنگام این سند مهم ملی یادآور شده اند، اما از برنامهٔ اجرایی آن خبری نیست! اینکه کمک دهنده گان در این عرصه، هزینهٔ مالی آن را قطع نمایند، مشکلی است بالای مشکل! قطع شدن هزینهٔ مالی تذکرهٔ برقی، ایدهٔ افراد و حلقات مغرضی را تقویت خواهد نمود که بنا به خواسته های نامشروع شان، در عقب مانی این پروسهٔ ملی تلاش می کردند.

بعد از توشیح قانون ثبت احوال نفوس، وزارت داخلهٔ کشور گفته بود، با دریافت اجازه از سوی ریاست جمهوری، روند آزمایشی توزیع تذکرهٔ الکترونیکی را در اول ماه جدی سال ۱۳۹۳ آغاز و اولین تذکره به رئیس جمهور غنی توزیع خواهد شد. این وعده پیش از آن -دوبار با تعیین تاریخ- به رئیس جمهور کرزی داده شده بود که تحقق نیافت.

حکومت باید این پروسهٔ ملی و هویتی را هرچه زودتر آغاز نماید تا شهروندان ما دارای شناسنامهٔ پیشرفته به سطح جهان گردیده و این سند بتواند آمار نفوس کشور را تثبیت نماید. و نفوس کشور بیش از این به حدس و گمان استوار نباشد و در انتخابات های بعدی، تنش ها و چالش های قبلی تکرار نگردد.

راه دراز؛ از مفاهمه تا مذاکرات صلح

وحید مژده

در چند ماه اخیر نشست های متعددی میان نمایندگان طالبان و شخصیت هایی از داخل نظام موجود در افغانستان در خارج از افغانستان صورت گرفته است. هرچند این نشست ها رسمی نبوده و افراد شرکت کننده نیز بصورت شخصی دعوت شده بودند اما پیامد های آن می تواند امیدوار کننده باشد.

در چند ماه اخیر طالبان در میدان دیپلوماسی دست به تحرکات چشمگیر زده اند. آیا این تحرکات آنان در جهت تماس و مذاکره با جناح های مختلف در داخل و سفر های شان به کشور های خارجی نشان از تغییر در استراتژی آنان در مورد افغانستان دارد؟ ظهور گروه جدید منسوب به داعش در افغانستان و نیز فشار های پاکستان بر طالبان تا کدام حد در این تحرکات بی سابقهٔ طالبان در بخش سیاسی تاثیرگذار بوده است؟

گروه طالبان تا اکنون در ذهنیت ها بیشتر به عنوان یک گروه نظامی که در صدد رسیدن به قدرت از راه زور است و هیچ تفاهمی به منظور تقسیم قدرت با دیگران را برنمی تابد، مطرح بوده اند. طالبان از چندین سال بدینسو در صدد اند تا این تصور در مورد خودشان را که تاحدی هم به عملکرد های دوران حاکمیت شان نیز رابطه دارد، از ذهنیت ها بزدایند.

رفتن اعضای دفتر سیاسی طالبان به قطر را می توان یک تحول بزرگ در این گروه در طول سال های بعد از ۲۰۰۱ دانست. دفتر قطر برای طالبان فرصت رابطه با جهان خارج را فراهم آورد و آنان از حالت انزوا بیرون آمدند. نمایندگان دفتر طالبان در نشست های کیوتو در جاپان و شانتئی در فرانسه شرکت کردند و مواضع خود را بیان نمودند. می توان گفت که تماس با جامعهٔ جهانی در این تغییر موضع آنان بسیار تاثیر گذار بوده است.

در نشست پگواش در قطر برای نخستین بار امکان رویارویی میان زنان افغان که از کابل رفته بودند و نمایندگان طالبان میسر شد. ملالی شینواری که از کابل در این نشست دعوت شده بود، با طالبان در مورد حقوق زن از نظر طالبان به مذاکره نشست.

بعد از نشست دوحه، طیب آغا در راس یک هیئت از طالبان به تهران رفت. هرچند وزارت خارجهٔ ایران از این سفر ابراز بی خبری نمود اما به گزارش خبرگزاری تسنیم که به سپاه پاسداران ایران نزدیک است این سفر به دعوت مقامات ایرانی صورت گرفته بود. از آن به بعد بصورت ناگهانی خبر مذاکراتی میان نهاد های جامعهٔ مدنی افغان و نمایندگان دفتر طالبان در قطر در اسلو پایتخت ناروی بگوش رسید.

ناروی کشوری است که در پروسهٔ صلح افغانستان تلاشی خاموشانه دارد. تماس های این کشور با طالبان از زمانی آغاز شد که کای آیده از کشور ناروی وظیفهٔ نمایدهٔ خاص سازمان ملل متحد در افغانستان را بعهده گرفت. این تماس ها موجب اعتماد دفتر طالبان در قطر نسبت به ناروی گردید و اعضای این دفتر تا اکنون بارها به اسلو سفر کرده اند.

در نشست اسلو که در اوایل ماه جون صورت گرفت، نمایندگانی از جامعهٔ مدنی افغانستان دعوت شده بودند اما مشخصهٔ این نشست این بود که در آن طالبان حاضر شدند با سرسخت ترین مخالفین خود که همیشه علیه طالبان سخن می گفتند به مذاکره بنشینند. شکریه بارکزی نمایندهٔ پارلمان که بجای مذاکره با طالبان بیشتر طرفدار جنگ با آنها بود و یکی از زنانی بود که در این نشست شرکت داشت، به گفتهٔ خودش با طالبان در مورد حقوق زن در آیندهٔ افغانستان به مذاکره نشست و طالبان در این نشست مواضع خود در مورد حق تحصیل و کار برای زنان را بصورت واضح بیان کردند که طرف مقابل آنرا نشان از تغییر در موضع طالبان ارزیابی نمودند.

از آن به بعد نشستی در دوبی برگزار شد که در آن داکتر قیوم کوچی کاکای اشرف غنی احمدزی، انجنیر قطب الدین هلال از مقامات سابق حزب اسلامی برهبری حکمتیار که فعلاً در تیم اشرف غنی شامل است و سید اسحاق گیلانی از افراد نزدیک به داکتر عبدالله عبدالله شرکت داشتند. انتخاب طالبان در گزینش افراد مورد مذاکره نیز جالب است. سید اسحاق گیلانی در عین حال وابسته به خانوادهٔ پیر سید احمد گیلانی است و می تواند از یک رهبر جهادی هم نمایندگی نماید و قطب الدین هلال که یکی از افراد مورد اعتماد حکمتیار بود و در انتخابات ریاست جمهوری نیز با پشتیبانی حزب اسلامی حکمتیار در کارزار انتخاباتی سهم گرفت. هلال و گیلانی با پاکستان نیز رابطهٔ خوب دارند.

در نشست دوبی روی نشستی که قرار است بعد از پایان ماه رمضان در دوحه صورت گیرد بحث و تبادل نظر صورت گرفت. موضوعات مهم این بحث ظاهراً دو موضوع بود؛ انتخاب اشخاص برای سهم گیری در نشست آیندهٔ قطر و اجندای مورد بحث.

تحرکات بی سابقهٔ طالبان در عرصهٔ سیاسی را می توان در پیوند با فشار های پاکستان بر آنان ارزیابی کرد. طالبان با این تحرکات خویش چالش بزرگی را بجان خریده و رو در روی پاکستان قرار گرفته اند.

تجربهٔ دوران جهاد نشان داده که پاکستان در بخش نظامی به گروه های وابسته به خویش آزادی عمل می دهد اما در پروسهٔ سیاسی و زمانیکه پای مذاکره و تفاهم در میان باشد، می خواهد خود از آن گروه ها نمایندگی نموده و امتیاز بگیرد. در حقیقت زمان گرفتن امتیاز برای پاکستان، مذاکرات سیاسی است. مثال روشن در این زمینه مذاکرات ژنو قبل از خروج نیروهای اتحاد شوروی از افغانستان بود که پاکستان به نمایندگی از مجاهدین افغان در آن شرکت کرد.

طالبان، تحرکات موازی پاکستان در بخش سیاسی را که توسط کسانی چون ملا عبدالجلیل و ملا عبدالرزاق براه انداخته است، عملاً خنثی کردند. شرکت این افراد در نشست اورومچی هیچ دست آوردی برای پاکستان نداشت و طالبان اعلام نمودند که این افراد از آنان نمایندگی نمی کنند.

فشار های نظامی ای که پاکستان در شرق افغانستان به نام داعش بر طالبان وارد آورده، طالبان را در میدان جنگ موقتاً به موضع تدافعی کشانده است زیرا طالبان در شرایط فعلی نمی خواهند مستقیماً درگیر کشمکش نظامی با پاکستان گردند اما این وضع نیز قابل دوام نیست زیرا داعش پاکستانی درصدد است بسوی کنر راه باز کند که ملا فضل الله رهبر طالبان پاکستانی در آنجا پناه گرفته است. پاکستان ملا فضل الله را گماشتهٔ استخبارات هندوستان "را" می داند.

هرچند این وعدهٔ پاکستان به دولت افغانستان که طالبان را به پشت میز مذاکره حاضر خواهد کرد به شکلی که پاکستان اراده داشت تا اکنون تحقق نیافته است اما همین فشار های پاکستان بر طالبان را می توان بصورت غیرمستقیم عامل تحرکات اخیر آنان در بخش سیاسی دانست.

این تحولات در بخش سیاسی در شرایطی صورت می گیرد که طالبان در میدان نظامی نیز تحرکات وسیعی را براه انداخته و در بخش هایی مهمی از شمال افغانستان حضور یافته اند. منظور طالبان می تواند این باشد که اگر مذاکرات صلح آغاز گردد، آنها از موقف قوی تر پشت میز مذاکره حاضر شوند.

این درحالیست که رئیس جمهور غنی تاکید دارد که قبل از صلح با طالبان می خواهد با پاکستان صلح نماید و نیز گفته است که از موضع ضعیف با طالبان مذاکره نخواهد کرد. بنا براین، علی الرغم تحرکات سیاسی که در این اواخر شاهد آن هستیم، آیندهٔ این مذاکرات صلح تا حد زیادی به موضع دولت افغانستان نیز مربوط است.

قوماندان عمومی نیروهای ناتو در افغانستان...

در نتیجهٔ توافقات بُن، به حاشیه راندن مجاهدین از صفوف نیروهای امنیتی و خلع سلاح آنها پیش از سرکوب کامل هراس افگنان، سبب جان گرفتن دوبارهٔ دشمن شد.

آنها ضمن ابراز خرسندی از تشکیل نیروهای امنیتی و دفاعی در ساختار نظام دولت جمهوری اسلامی افغانستان با کمک و همکاری جامعهٔ جهانی، افزودند که باید در ساختار نیروهای امنیتی و دفاعی کشور، از مجاهدین که تجربهٔ مبارزه و مقاومت در برابر کمونیزم و تروریزم را در کارنامه های شان ثبت دارند، به گونهٔ شایسته استفاده می شد، اما به این موضوع توجهٔ چندانی نشد.

آنها افزودند که در چهارده سال اخیر، نیروهای جهادی از یک سو با بی مهری دولت روبرو بوده و با القاب و عناوین مختلف توهین شدند و از جانب دیگر، نخبه ترین آنها مشمول رهبر جهاد و مقاومت شهید استاد برهان الدین ربانی، در نتیجهٔ ترور های سازماندهی شده و هدفمند زنجیره ای دشمنان مردم افغانستان، به شهادت رسیدند.

آن ها تأکید کردند که راه مقابله با تهدید های نوظهور و جدید امنیتی، مشوره با فرماندهان پیشین جهادی و استفاده از تجارب آنها در جهت چگونگی سرکوب مخالفان مسلح دولت است.



استاد شهید در صحبت با سید نورالله عماد منشی دارالانشای جمعیت اسلامی (قبل از سال های جهاد)

فساد؛ میراث حکومت گذشته

هارون

حکومت وحدت ملی مشغول مبارزه با فساد پیشه گان است و این مبارزه با مقاومت جدی مواجه گردیده و تا هنوز نتیجهٔ ملموس از این مبارزه بدست نیامده است. در شرایطی که کشور غرق مسایل فراوان داخلی و خارجی می باشد، سخن گفتن، شعار دادن و کاربرد مقوله هایی؛ چون: انسجام ملی، وفاق ملی، اجماع ملی، حاکمیت ملی، هویت ملی، همبستگی ملی و سایر مقوله ها که با تفکر اسلامی توافق دارند، در افغانستان تا هنوز مفهوم عملی پیدا نکرده است.

نظام مشروع و قانونی از دغدغه های هزارهٔ سوم محسوب می شود. افغانستان با چنین دشواری ها و دغدغه های حقوقی، بد امنی و نبود مشروعیت سیاسی مواجه است. نبود این عناصر و مولفه ها موجب گسترش فساد و بی مبالاتی در کشور گردیده است. وقتی نیرو های مختلف سیاسی، آگاهان جامعه و اقوام ساکن در این سرزمین منافع خویش را در دستگاه طویل و عریض این حاکمیت مشاهده نه نماید، به پدیده یی چون روحیهٔ ملی و وحدت ملی باور نخواهند داشت.

لازمهٔ حکومت ملی، موجودیت عدالت اجتماعی است و عدالت اجتماعی از یک حکومت عادل صادر می شود. بدون شک حکومت وحدت ملی میراث خوار فاسد ترین حکومت ها در قرن بیست و یک می باشد و حکومت گذشته از فاسد ترین حکومت در سطح جهان بوده است. امروز سایهٔ شوم حکومت گذشته بر این حکومت سایه افگنده و برای حکومت وحدت ملی درد سر ساز بوده است؛ زیرا بدنهٔ این حاکمیت از اشخاص مبتلا به فساد مملو است و تصفیهٔ این همه اشخاص از توان این حاکمیت حد اقل تا مدتی به دور است، تا این مهره های نابکار تعویض گردند تا جای شان را مهره های جدید و دلسوز پر نماید. این فساد پیشه گان در برابر حکومت وحدت ملی سنگ اندازی می نماید و برنامه های این حاکمیت با کندی مواجه می باشد. مبارزه با فساد یک مبارزهٔ دراز مدت و از خود صبر، تحمل و تدبیر می خواهد. هرگونه حرکت شتاب زده به نفع فساد پیشه گان خواهد بود.

بی مورد نیست که پروژهٔ عدالت اجتماعی که مقر آن در امریکا قرار دارد افغانستان را در ردیف ۱۰۲ مملکت در ردیف دوم کشور های فساد پیشه قرار داده و این کشور در رقم پائین عدالت قضایی قرار گرفته است. بعد از روی کار آمدن حکومت وحدت ملی هر روز خبر از فساد گسترده حکومت قبلی شنیده می شود. حکومت وحدت ملی همه روزه از فساد گسترده سلف خویش خبر می دهد که بسیار تکان دهنده است. از نمونه های آن می توان فساد در کابل بانک، فساد بزرگ در قرار داد های سوخت وزارت دفاع که سر به صد ها میلیون دالر می زند، فساد در وزارت شهر سازی که در این تازه گی ها به نشر رسیده است و در این وزارت گزارش ها می رساند که در توزیع آپارتمان ها و بلند منزل ها غدر و خیانت صورت گرفته، بلند منزل های شخصی بدون بررسی و تحقیق که مطابق نیاز های شهر سازی مدرن بوده باشد صورت نگرفته است، فساد در وزارت کار و امور اجتماعی که پول معلولان و معیوبان به هدر رفته که مقدار این پول های دزدی شده نزدیک به هشتاد میلیون دالر بالغ می گردد، و غیره موارد را نام برد.

فساد در حکومت گذشته چنان گسترده بوده است که در صورت بررسی این همه فساد، شاید سال ها وقت حکومت وحدت ملی را به خود مشغول سازد تا این حکومت بتواند یک رقم درشتی از فساد را در کشور به بررسی گیرد. باید گفت که فساد ساختاری در افغانستان وجود دارد و حکومت های پس از طالبان بر پایه های فساد استوار است. گفته اند که قدرت فساد را به میان می آورد.

صلاحیت رئیس جمهور در قانون اساسی به حدی فراوان است که نتیجه اش فساد و نهادینه شدن فساد در کشور گردیده است. تا زمانی که در نظام سیاسی کشور یک سلسله تغییرات از طریق تغییر مواد قانون اساسی بوجود نیاید، امیدی از میان رفتن فساد در کشور عملی نیست. باید به رئیس جمهور کرزی لقب فاسد ترین رئیس جمهور در جهان داده می شد که این کار صورت نگرفته است.

بعد از روی کار آمدن حکومت وحدت ملی هنوز هم شخصیت های ناکام و آغشته به فساد در نقاط حساس قدرت قرار دارند. در موجودیت چنین افراد در بدنهٔ قدرت، نمی توان با فساد مبارزه کرد؛ زیرا هر وقتی از فساد سخن گفته می شود، بعد از چند روز و هفته این صدا ها خاموش می گردند و از نتیجهٔ آن چیزی فهمیده نمی شود. نه تنها فساد در ادارات ملکی و قرار داد های بزرگ آن وجود داشته؛ بلکه وزارت دفاع و در اخیر پولیس مورد پرسش هایی از سویه حمایه کننده گان خارجی آن ها قرار گرفته و ارگان هایی از پولیس متهم به سوء استفاده از قدرت گردیده است. ماجرای دو تن از آمران حوزه های سوم و سیزدهم خیلی ها شرم آور است. همان گونه که رئیس جمهور از غیر سیاسی بودن ارگان های نظامی خبر داده بود، اکنون به اثبات رسید که تقسیم پست های نظامی به اساس علایق سیاسی، حزبی و قومی، فساد و بی مبالاتی را به میان خواهد آورد. طوریکه نمونه های بارز آن را در وزارت داخله دیده می توانیم. این افسران نظامی قبل از آن که به منافع کشور بیاندیشند، به رهبران خود می اندیشند و به آنان گزارش و تمکین می کنند، نه به دولت و به وزیری که از تیم وی نیست.

امروز چهره هایی سیاسی که در بدنهٔ حاکمیت چسپیده اند از فساد پیشه گان حمایت می نمایند. نه تنها فساد پیشه گان گلوی دولت مرکزی، شهر های بزرگ را همه روز می فشارد، بلکه ولایات کشور به صورت واضح به این فساد پیشه گان سپرده شده است. با یک سخن نمی توان در برابر این همه فساد اداری، نظامی، اقتصادی و اجتماعی پیروزی بدست آورد تا در ساختار نظام تغییر بوجود نیاید.

افغانستان برای رهایی از یک سلسله تنش ها و فساد به یک ساختار سالم سیاسی جدید نیاز دارد که اقوام افغانستان بتوانند در یک آزادی و برابری زنده گی کنند و از دغدغه های جنگ، استبداد و فقر مزمن و بحران های سیاسی و اجتماعی نجات پیدا نمایند. بحث ساختار حکومت به شیوهٔ مدرن و پیشرفتهٔ آن که بتواند تا جلو بحران های مختلف را در کشور بگیرد، از بحث های جدی این سر زمین است. نمی توان بدون یک ساختار جدید و قابل قبول برای افغانستان آرامش و سکون را فراهم ساخت.

نوستالژی مرگ اندیشی و فقدان عزیزان ۲

عبدالقیوم ملکزاد

شاعر خطاب به دختر خود می گوید: ریختن اشک را برای روزی موکول کند که مردم تابوت او را بر سر شانه ها حمل کنند تا او را به خانه ابدی اش بسپارند:

" زندهٔ ما سزای رحمت نیست
در خور هیچ گونه حرمت نیست
زود آن روزگار می آید
کاین گهر ها به کار می آید
چند روزی تو انتظار ببر
وان دم این گنج را به کار ببر
روی تابوت من نثارش کن
ارمغان بر سر مزارش کن."

چنانچه ملاحظه می گردد عنصرمرگ در بسا از ابیات دیوان استاد جلوهٔ خاصی دارد و مرگ اندیشی از بن مایه های اصلی سروده های وی به شمار می رود.

مویه های استاد در حسرت نبود عزیزان:

یکی از مظاهر نوستالژیک، مرگ دوستان و فقدان عزیزان است که سخنسرای نامدار کشور (استاد خلیلی) نیز، از آتش آن در امان نبوده است.

به گونه یی که بسا دیده می شود فریادی در سوگ آنها سرمی دهد و گاه مشاهده می گردد که " جوشش دیوانه وار و بی مهار بغض و اشک و حسرت در مراثی وی نمودار می شود. شاعر با صمیمیت تمام مصیبت را می نمایاند . این صمیمیت آن چنان شعر را می آگند که سایر روابط شاعر با شعر را به تمامی تحت شعاع قرار می دهد و در این شعر[ها]، صمیمیت تصور می کند، می گرید، به یاد می آورد، به خاک می سپارد و برمی گردد."

نویسندهٔ مقالهٔ " نوستالژی در آثار ناصرخسرو، نظامی و خاقانی" می گوید: غم از دست دادن عزیزان و تکرار خاطراتی که در ذهن فرد به دلتنگی و حسرت نسبت به گذشته منجر می شود، از عوامل پیدایش نوستالژی حسرت فردی است.

یکی از این سروده ها، شعر غم آلودی است به نام " باران خون" که استاد آن را در رثای شاد روان سرور گویا اعتمادی ارائه کرده. شاعر در مقدمهٔ ترکیب بند خود این سطور را علاوه نموده است:

" شاد روان سرور گویا اعتمادی از دوستان سخندان شاعر بود که خبر وفات وی را استاد در انقره شنید و جهان روشن به دیده اش تار گردید. گویا اعتمادی از چهل سال به این سو با استاد پیوند رفاقت و عهد مصاحبت و پیمان محبت استوار می داشت. یار غم و شادی و غمخوار زندان و آزادی شاعر بود. مردی درویش، متواضع، پاکدل، شریف و جوانمرد بود."

حسرت نامهٔ مزبور بدینگونه آغاز می یابد:

" ای دل! تو خون ببار که در دیده نم نماند
وی سینه! چاک شو که دگر جای غم نماند
ای چشم! خیره شو که به غمخانهٔ حیات
جز نقش اشک و خون ز حوادث رقم نماند
ای گوش! راه سمع فرو بند کز جهان
حرفی به جز فسانه رنج و الم نماند
ای روز! بر متاب که دیگر به چشم من
سیمای مهر و روشنی صبحدم نماند
بیش و کم حیات به جز درد سر نبود
فرّخ دمی که گویند، این بیش و کم نماند
از کاروان رفته به دلهای دوستان
نقش دگر به غیر نشان قدم نماند
بیرون فگن ز بزم ادب ساغر نشاط
چون در پیاله قسمت ما غیر سم نماند
هان، ای قلم! بسوز در آتش که بعد ازاین
آن "سرور" سخنور صاحب قلم نماند
از آسمان فضل نهان گشت اختری
صاحبدلی، دقیقه شناسی، سخنوری."

نویسندگان مقالهٔ تحقیقی " بررسی عنصر"حسرت" در اندوهیاد های شاعران معاصر" را باور بر این است: در میان اندهیاد هایی که شاعران سروده اند، اندوهیاد هایی که برای از دست رفتن دوستان شاعر خود سروده اند از اهمیت بیشتری بر خوردار است. زیرا، علاوه بر اصالت احساسی که در آنها دیده می شود و طبعاً از جنبهٔ سفارشی این گونه اندهیادها می کاهد، بیانگر رابطهٔ دوستانهٔ شاعران نیز تواند بود.(دکتریدالله جلالی پندری، دکترمحمدکاظم کهدوی و مژگان میرحسینی)

با این اشاره می توان گفت که: سوگ سروده " باران خون" ضمن این که عنصر حسرت در آن غلبه وافری داشته و تشکیل دهندهٔ زیربنای نوستالژی می باشد، به حدی سوزناک و حسرت آلود است که نمی توان ابیاتی را از آن برگزید و از بقیه دیده فرو بست و یا نخوانده گذشت.

محمد کاظم کاظمی در خصوص شعر بالا، نظر خود را اینگونه بازتاب داده است:

" ...بسیاری از ترکیب بند های او[استاد خلیلی] به واقع خطابه هایی منظوم اند و برای ارائهٔ تریبونی و به سفارش یا توصیهٔ دیگران سروده شده اند. چنین است که آن حس و حال شاعرانه را که در قصاید و بعضی غزل های خلیلی می توان یافت، در اینجا نمی توان دید، مگر در ترکیب بندی که در رثای دوست گرامی اش سرور گویا اعتمادی سروده است. روشن است که این شعر، به راستی از سر احساس و درد بوده است و نه تشریفات و ادای تکلیف."

اما به عقیدهٔ این قلم، احساسی که در ترکیب بند "سید جمال الدین افغان" تراوش یافته، نیز نمی توان دست کم گرفت. شعری که استاد صلاح الدین سلجوقی در مورد آن چنین داوری دارد: " اولین روزی که من خلیلی را به کلمهٔ استاد خطاب نمودم، آن روزی بود که به استقبال تابوت مرحوم سید جمال الدین افغانی، زعیم وفیلسوف ملت افغان، قصیده یی (به اغلب گمان منظور استاد سلجوقی ترکیب بندی است که در ردیف ترکیبات گنجانیده شده. زیرا استاد خلیلی سروده دیگری در مورد مرحوم سید جمال الدین افغان ندارد."

ملکزاد")، بس شیوا و بس ارزنده و بزرگ و عالی انشاد کرده بود، که حقیقتاً قابل افتخار است..."

لطیف ناظمی در مقاله یی زیر عنوان" قاری عبدالله و استاد بیتاب در خاطرت استاد خلیلی" که با استفاده از یادداشت های استاد طی مکالمه با دخترش ماری تهیه شده است، به نگارش درآورده و در قسمت سخن بالا، چنین یاد آور می شود: "

" دهم جدی سال ۱۳۲۲ استخوان های فرسوده سید جمال الدین را به کابل می آورند تا در آنجا به خاکش سپارند. به همه سخنوران دستور می دهند که بدین تقریب سروده هایی را بنویسند تا ازآن میان یکی برگزیده شود؛ که استاد بیتاب و استاد خلیلی هم می سرایند و آفریده های خود را می فرستند و قصیدهٔ [نه، بلکه ترکیب بند] استاد خلیلی از این میان پذیرفته می شود و لقب " استاد" از همان روزگار پیشوند نامش می گردد."

از زبان خلیلی بشنوید: " همه ساختند و همه نوشتند. خداوند شاهد است که اگر من می دانستم این حضرت استاد ملک الشعرا بیتاب در این کار سهم می گیرند و یا مردم فکر می کنند شعر من از شعر استاد بهتر است، من شاید این شعر را نمی ساختم و اگر می ساختم به نهج دیگر می ساختم؛ یا می رفتم از خود شان اجازه می گرفتم. خوب بدبختانه من هم شعر خود را ساختم، این شعر را بردند پیش استاد استادان یعنی حضرت استاد سلجوقی (رحمت الله علیه) که سلجوقی قضاوت کند. به مجردی که سلجوقی شعر مرا- گمان می کنم ترکیب بند بود- خوانده است، به من فوراً نوشت: " من از طرف وزارت مطبوعات افغانستان وظیفه دارم که شما را به حیث (استاد ادب) خطاب کنم."

ناظمی می نویسد: دنبالهٔ مجرا جالب تر ازاین است، از زبان خلیلی بشنویم:

" درحدود چهل- پنجاه – شصت بیت بود ومرا هم مردم از هر طرف تبریک می گفتند. دیدم که حضرت استاد من(رحمت الله علیه) با اینکه مرا نهایت دوست داشت ومن شاگردش بودم- این بیتاب صاحب- قبل از آنکه شعر تمام شود و محفل به پایان برسد، محفل را ترک گفتند و رفتند در خانه و همه دیدند که بیتاب صاحب آزرده شدند و بعضی ازاین پراگ گوی های کابل (؟) فریادی را هم از دنبال کشیدند که شنیده نتوانستم. من متاثر شدم و تا امروز از آن خجالت به من است."

اکنون نگاهی می افگنیم به سایر غمیاد های استاد، اعم از سروده هایی که از سر درد انشاد شده اند و سروده هایی که شاعر، آن ها را به قول کاظمی به اثر سفارش دوستانش ارائه داده است. اما مقدم تر از پرداختن به نمونه هایی از مراثی آن سخنور نامور، ترجیح می دهیم تا اندوهیاد های او به چند دسته تقسیم شوند:

مرثیه هایی به مناسبت در گذشت شخصیت های معروف علمی و ادبی:

" سید جمال الدین افغان" (در روز خاک سپاری عظام رمیم حضرت سید جمال الدین افغانی به خاک وطن، به آرامگاه او خوانده شد." شاعر")

در بندی از مرثیه یی که در قالب ترکیب بند سروده شده، سید جمال الدین را " بارقهٔ مطلع بطهایی" و " مشعلی مقتبس از نور یداللهی"، " عقاب تیز پرواز"، نعرهٔ دعوت حق"، مشعل نور هدی"، " دل بیدارجهان"، " آفتاب فضلا"، نخبهٔ احفاد رسول"، "نخل شاداب وطن" و " دوحهٔ زهرای بتول" و بسا اوصاف دیگرباد کرده و اینک سومین بند این اندوهیاد:

" این ضیا بارقهٔ مطلع بطحایی بود
مشعلی مقتبس از نور یداللهی بود
تیز پرواز عقابی که به یک جلوهٔ قدس
تنگ برهمت او طارم مینایی بود
نعرهٔ دعوت حق بود که بیدار کند
هر گران خواب که در بند تن آسایی بود
آن که ره گم شدگان سفر گیتی را
مشعل نور هدا، شمع شناسایی بود
تا دمد روح نو اندر تن افسرده شرق
راستی در دمش اعجاز مسیحایی بود
آن که اکنون به دل خاک سپردیم او را،
دل بیدار جهان دیده بینایی بود
آفتاب فضلا، نخبهٔ احفاد رسول
نخل شاداب وطن، دوحهٔ زهرای بتول."

و این هم سه بیت دیگر از بند ششم این شعر:

" پیش تابوت تو کهسار وطن از سر صدق
بهترین گوهر خود باز فشانند همه
رود هایی که به بالین تو می گفت سرود،
در قدوم تو کنون مویه کنان اند همه
دست از رخنهٔ تابوت برون آر، که خلق
بوسه از دست تو یک بار ستانند همه"

ادامه دارد

د پارلماني ټاکنو ځنډ، ولې؟!

رفیق بحر

د چنګابښ په لومړۍ نیټه د ولسي جرګې مودې د کار موده پای ته رسیږي مګر تر اوسه د ټاکنو کمیسون لخوا د نوو ټاکنو موده او پدې اړه زماني جدول ندی اعلان شوی؛ چې له مخې یې د نوم لیکنې او کمپاین موده معلومه شي. او د ځنډ د لاملونو په اړه ویلی کیږي چې له یوې خوا د کمیسون سره اړینه بودیجه نشته؛ ځکه د تېرو ولسمشریزو ټاکنو د لانجمنه کېدو لامله د رایو دوهم ځلي شمېرنه کې ورسره شته پېسې په هغه پروسه ولګېدې؛ پداسې حال کې چې دا ډېر معقول دلیل ندی؛ خو د ډیرو په اند د کاسې لاندې نیم کاسه شتون لري.

له یوې خوا ټاکنیز کمیسون په تېرو ټاکنو کې د پاتې راتګ لامله ځانته دا اخلاقي جرأت نشي ورکولی. ځکه چې ټول ولس ورځخه د ولسمشریزو ټاکنو د درغلیو ډکې پایلې لامله ناراضه شوی دی نو اوس په ځان باور نلري چې د دوی لخوا راتلونکو ټاکنو لپاره اعلان به یې خلک ومني او د دوی په لاس راتلونکې پروسې ترسره کولو ته به خلک تن کیږدي؟ ځکه خو له همدې امله د ټاکنیز کمیسون د اصلاح او هم د ټاکنیزو اصلاحاتو غوښتنه په ډېر شدت سره مطرح ده او دا پخپله یوه بله ځورنده توره ده چې اوسني ټاکنیز کمیسون یې په خپل سر ویني او ویره لري چې ښایي دغه کمیسون له یوې مخې بدلون مومي؛ د ګډ حکومت د دواړو مشرانو لخوا د دغه کمیسون په جوړښت او اصلاحاتی کمیسون د مشر په سر نږدې یوه میاشت وړاندې ناندرۍ هم د همدې احتمال غمازي کوله.

دا وضع پداسې حال کې روانه ده چې له یوې خوا د اوسني ولسي جرګې غړو د قانون دغه ماده زمزمه کوي چې وایي: « د ولسي جرګې د کار موده د چنګابښ په لومړۍ نېټه د انتخاباتو د نتیجو د اعلان څخه وروسته پای ته رسیږي او نوې شورا په کار پیل کوي» پداسې حال کې چې د دې مادې دغه برخه چې د انتخاباتو د نتیجو د اعلان څخه وروسته عبارت اصلاً د نورمال حالت لپاره ده، چې ټاکنې ترسره شوې اوسي نو چې تر څو پایله اعلان شوې نه اوسي دغه جرګه به اوسي؛ چې هر عقل لرونکی ورځخه په لومړي نظر دا استنباط کولی شي.



سفر به تاجیکستان

■ **ابوبکر سبزوار**

هفتهٔ گذشته داکتر عبدالله عبدالله رئیس اجرائیهٔ حکومت وحدت ملی به منظور شرکت در کنفرانس "آب حیات" عازم دوشنبه پایتخت تاجیکستان شد. هرچند این کنفرانس بین المللی در مورد اهمیت آب و منابع آب بود اما برای تاجیکستان، سفر داکتر عبدالله از بُعد امنیتی نیز اهمیت ویژه داشت. در این اواخر تحرکات مخالفین مسلح دولت افغانستان در شمال افغانستان افزایش یافته و این مسئله موجب نگرانی همسایه های شمالی افغانستان بویژه تاجیکستان شده است.

این نگرانی زمانی در دوشنبه اوج گرفت که نیروهای مسلحی که گفته می شود شامل تعدادی از اتباع کشور های آسیای میانه می نیز می شود، در ولایات کندز و بدخشان که با تاجیکستان هم مرز است، حضوری چشمگیر یافته و در جنگ های شمال افغانستان نقشی مهم ایفا کرده اند.

از جانب دیگر تاجیکستان از جمله مسیر های ترانزیت مواد مخدری است که از افغانستان تا به فدراسیون روسیه و حتی فرا تر از آن تا به اروپای غربی می رسد.

ظهور گروه دولت اسلامی یا داعش و اعلام ولایت خراسان توسط این گروه که شامل کشور های آسیای میانه نیز می شود، و نگرانی رهبران کشور های آسیای میانه از پیوستن اتباع شان به این گروه، نگرانی بیجا نیست. همین اکنون هزاران جنگجو از آسیای میانه به سوریه رفته اند تا در کنار نیروهای دولت اسلامی علیه حافظ الاسد بجنگند. گزارش هایی در دست است که تعداد اتباع تاجیکستان در میان این جنگجویان از همه بیشتر بوده و تا اکنون بیش از ۶۰ تن از آنان نیز کشته شده اند.

وقتی این افراد راه های طولانی و پر خطری را طی می کنند تا خود را به سوریه برسانند، اگر گروه دولت اسلامی بتواند در شمال افغانستان جای پای محکمی بدست آورد، درآن صورت مرکز سربازگیری خود را در مرز با تاجیکستان ایجاد خواهد کرد و دیگر نیازی به رفتن هواداران داعش به سوریه نخواهد بود.

اگر داعش بتواند در شمال افغانستان قدرتی بمیان آورد و مناطقی را تحت کنترول خود در آورد، با توجه به تمایلی که در کشور های آسیای میانه برای پیوستن به گروه های تندرو وجود دارد، احتمال اینکه این منطقهٔ کوهستانی بتواند به مرکزی قدرتمند تر از سوریه برای داعش مبدل گردد، وجود دارد.

به همین دلیل در توافقنامهٔ ۱۲ ماده ای که در جریان سفر رئیس اجرائیه به تاجیکستان میان دوطرف به امضا رسید، در کنار مسایلی چون همکاری تاجیکستان در بخش زیربنای افغانستان و ترانزیت و تجارت و مسئلهٔ انتقال انرژی، مسایل مهمی که مورد بحث قرار گرفته، موضوع مبارزه با تروریسم و مواد مخدر بوده است.

این نکته مشخص است که مافیای مواد مخدر در مرز مشترک دو کشور فعال اند. در این منطقه کارخانه های تولید هروئین وجود دارد که به دلیل نا امنی و فساد گسترده در افغانستان، مبارزه با آن ساده نیست. نگرانی تاجیکستان و در مجموع کشور های آسیای میانه اینست که مافیای مواد مخدر حضور خود را در این منطقه مدیون نا امنی های بمیان آمده توسط گروه های مخالف دولت است. بنابراین منافع مشترک می تواند به همکاری میان این دو کمک کند.

حضور گروه حرکت اسلامی ازبیکستان در شمال افغانستان می تواند مشوقی برای پیوستن افراد ناراضی از سراسر آسیای میانه به این گروه باشد. گروهی که اکنون بجای طالبان هم پیمان جدیدی به نام داعش را برگزیده است.

نکتهٔ مهمی که در این رابطه باید در نظر گرفت کشمش میان فدراسیون روسیه و غرب بر سر اوکراین است. سروصدای حضور داعش در مرز های آسیای میانه می تواند موجب نگرانی روسیه باشد که از قبل نیروهای خویش را در مرز تاجیکستان با افغانستان مستقر کرده است و ترکمنستان در این رابطه با امریکا در تماس است. در حقیقت نا امنی های افغانستان می تواند کشور های آسیای میانه را به قبول نیروهای خارجی در خاک شان ترغیب نماید و اختلاف منافع میان قدرت های منطقوی و جهانی، به تنش در این منطقه دامن بزند.

در شرایطی که بخش بزرگی از جهان اسلام درگیر جنگ و نا امنی و کشتار است، آسیای میانه از این آتش برکنار مانده است. به نظر می رسد که تلاش هایی به منظور گسترش این آتش به آسیای میانه نیز در جریان است.

برای جلوگیری از این مصیبت باید کشور های منطقه دست بدست هم بدهند. همگرائی منطقوی می تواند در مبارزه با خشونت موثر باشد اما از این نکته نیز نباید غافل بود که استبداد و فشار بر ملت ها می تواند آنها را بسوی خشونت گرائی سوق دهد.

تجربه نشان داده که مشکل خشونت گرایی را نمی توان از راه نظامی و جنگ حل کرد. فضای بستهٔ سیاسی می تواند به نفع گروه های خشونت گرا تمام شود اما برعکس تغییرات سیاسی و بازشدن فضای جامعه می تواند از تمایل به خشونت جلوگیری نماید.

توافق وزارت های امور خارجهٔ افغانستان و تاجیکستان

مبنی بر حمایت از عضویت یکدیگر در سازمان های بین المللی و منطقه ای

محترم صلاح الدین ربانی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی افغانستان، که همراه با جلالتمآب داکتر عبدالله عبدالله رئیس اجرایی حکومت وحدت ملی به تاجیکستان سفر کرده است، همراه با همتای تاجیکستانی اش، سراج الدین اصلوف وزیر امور خارجهٔ تاجیکستان، پروتوکول همکاری دوجانبه امضا کرده است.

بر اساس خبرنامهٔ وزارت امور خارجهٔ کشور، این سند که برای یک دورهٔ پنج ساله قابل اعتبار است، در راستای تحکیم پیوندهای تاریخی و فرهنگی دو کشور و دو ملت برادر، توسعه و تحکیم همکاری‌های دو دولت در عرصه‌های مختلف، از جمله توسعه و گسترش همکاری‌های منطقوی، امضا شده است.

در این پروتوکول آمده است که برای تقویت مناسبات دوستانهٔ دو جانبه، همکاری های منطقه‌ای و مسایل و مشکلات بین‌المللی مورد توجه هر دو کشور، در سطح وزیران امور خارجه به شکل منظم گفتگو و مشورت می‌نمایند.

در این سند تأکید شده است که دیدار وزرای امور خارجه دو کشور در جریان یک سال، حد اقل یک بار به شکل متناوب در شهرهای کابل و دوشنبه برگزار می شود و مشورت‌ها در سطح معینان دو وزارت و رئیسان ریاست‌ها و شعبات مربوطه نیز صورت می‌گیرد.

در این سند تأکید شده است که افزون بر همکاری دوجانبه در مسایل زیربنایی اقتصادی و بازرگانی، طرف ها مسائل مربوط به امنیت منطقه، مبارزه علیه تروریزم، و افراط‌گرایی، جنایات سازمان یافته و قاچاق مواد مخدر را با هم مشورت می نمایند.

در این سند همچنان تأکید شده است که هر دوطرف، از موقف، پیشنهاد ها و نامزدی یکدیگر در سازمان‌های منطقه ای و بین المللی، حمایت کرده و نمایندگی های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خود را در کشورهای سوم نیز برای روابط نزدیک متقابل تشویق و رهنمایی می‌کنند.

بر مبنای بند ششم پروتوکول امضا شده میان وزرای امور خارجه افغانستان و تاجیکستان، هردوطرف، اجرای توافقات اجلاسیه کمیسیون مشترک بین‌الحکومتی اقتصادی، تجارتی، اجتماعی و تخنیکی بین جمهوری اسلامی افغانستان و جمهوری تاجیکستان را پیگیری کرده، زمینهٔ ایجاد کمیسیون‌های بین‌الحکومتی در رابطه به تجدید علایم سرحدی بین جمهوری اسلامی افغانستان و جمهوری تاجیکستان مساعدت می‌نمایند.

برمبنای این پروتوکول امضا شده، وزارت های امور خارجهٔ دو کشور در راستای آموزش کدرهای دپلوماتیک، تبادل تجارب و بالا بردن تخصص کارمندان یکدیگر همکاری می کنند.

انتخابات ترکیه و سرنوشت حزب...

انتخابات تازه فراهم خواهد گردید. رسانه های غربی گزارش دادند که حزب توسعه و عدالت مایل به تشکیل حکومت ائتلافی است، تا بر گزاری انتخابات. چون به هر حال به نظر نمی رسد که در نتیجهٔ فعلی و تصمیم رای دهنده گان تغییرات جدی رونما گردد. یک سلسله عوامل در نتیجهٔ این انتخابات نقش داشته است.

در حکومت اردوغان طی سال های اخیر فساد اداری رخنه نموده و تعدادی از وزیران و جنرال ارتش متهم به فساد گردیدند که در نتیجهٔ این اتهامات تعدادی از وزیران مجبور به استعفاء گردیدند که تعداد شان از اعضای حزب توسعه و عدالت بوده است. موضوع دیگر، تصفیهٔ تعدادی از جنرال های ارتش در رهبری این وزارت است که خوش بینی این حزب در میان ارتش کاهش یافت.

در این انتخابات نقش حزب دیموکراتیک خلق بسیار برجسته است. این حزب در میان کرد ها طرفداران زیادی دارد. این حزب رهبری گروه های چپ گرا، لیبرال های منتقد، طرفداران محیط زیست و غیره را در این انتخابات رهبری می کرد. کرد ها پس از سال توانستند به مثابهٔ یک حزب قدرتمند کرسی های زیادی را در پارلمان بدست آرند. هر چند اردوغان تلاش کرد تا این حزب را در جریان انتخابات به حاشیه براند و حزب حاکم ادعا داشت که این حزب با تروریست ها و دشمنان ترکیه همگام حرکت می نماید، اما این تلاش ها جایی را نگرفت و این حزب توانست ۱۲ درصد آراء را بدست آورد؛ در حالی که در انتخابات ۲۰۱۱ اردوغان آراء بخش قابل توجه یی از کرد ها را بدست آورد؛ زیرا در آن زمان اردوغان به طور بی سابقه یی از مسالهٔ کرد ها و ختم منازعه با حزب کارگران کردستان (پی کا کا) حمایت کرد؛ اما بعد از انتخابات وعده های خود را فراموش نمود.

موضوع دیگر که اردوغان را بسیار نگران ساخته بود مشکل با حریفان پر قدرت مذهبی خود فتح الله گولن است. فتح الله گولن در سال های نخستین قدرت این حزب از هواخواهان پر و پا قرص این حزب بود و خود را شریک قدرت در ترکیه می دانست. فتح الله گولن در خط فکری حزب توسعه و عدالت قرار داشت. گولن بعد ها راه خود را از اردوغان جدا کرد و با تشکل جداگانه به فعالیت خود آغاز کرد. فتح الله گولن و طرفدارانش به ساخت مکتب، کورس های تعلیمی و تربیتی در داخل و خارج ترکیه پرداخت و در ترکیه فابریکه های تولیدی و بانک های تجارتی را ایجاد نمود. وی تلاش نمود تا از این طریق نفوذ خود را در ترکیه تحکیم بخشد.

خود خواهی های حزب حاکم بین این حزب و فتح الله گولن فاصله ایجاد کرد و اردوغان گولن را به جرم خیانت به ملت ترکیه متهم کرد و از امریکا خواست تا وی را به ترکیه باز گرداند. ولی در این کار موفق نگردید. طرفداران گولن که در ارتش و پولیس طرفداران زیاد دارد مانع فعالیت های توسعه طلبی اردوغان در خاور میانه و سوریه گردید. طوریکه یک محمولهٔ بزرگی از اسلحه و مهمات دولت ترکیه که به مخالفان سوریه فرستاده می شد، از طریق هواداران گولن افشا گردید. بعد ها فهمیده شد که تعداد اسلحه و مهماتی که ترکیه به مخالفان حکومت سوریه می فرستاد بدست داعش افتیده است و این کار موجبات خشم امریکا و اروپا را در برابر اردوغان فراهم نموده است.

اعتراض مدنی معلمان

عبدالعلی کوهی/استاد دانشگاه کابل

صدای یکی از معلمان معترض در بی بی سی چنین شنیده می شد: (شکم یک معلم با شکم رئیس جمهور، وزیر و مقامات دولتی چه تفاوتی دارد؟) اما معلم بی خبر از آنست که شکم تا شکم است.

کشور های پیشرفته مرهون زحمت کشی های معلم خود است. و از این رو در بسیاری از کشور ها حقوق معلم بالاتر از حقوق یک جنرال در ارتش است؛ اما در کشور هایی چون افغانستان و کشور های افریقایی، عربی و آسیایی معلم کمترین حقوق را بدست می آورد. در برابر این بی اعتنایی معلم، دیده می شود که در مکاتب از کیفیت و رشد معنوی نو باوه گان این کشور ها خبری نیست. همان بر خوردی را که دولت در برابر معلم در افغانستان انجام می دهد، به همان تناسب معلم انتقام خود را از شاگردان می گیرد.

پس از حکومت های کودتایی، به ویژه سال های ۵۷ بدینسو، دولت ها هیچگونه ارزش و مقامی به معلم قایل نبوده است. حاکمیت حزب خلق تعدادی از معلمان با سواد را به دستگاه های جهنمی استخباراتی جذب نمود، تعدادی کشته و تعدادی هم فراری شدند. حکومت های پسا طالبانی نیز به معلمان چندان اعتناء نه نمودند. اعتراض معلمان شهر کابل بسیاری از سخنان نا گفته را بر ملا ساخت. دولت همواره از ارقام سخن می گوید و در سال های اخیر هر روز جمعیت دانش آموزان رو به افزایش است و نظر به نبود صنوف اضافی، امکانات و مکاتب اضافی، ساعات درسی در روز به دو دوره و یا سه دوره تقسیم گردیده است. هر مکتب بیش از ظرفیت خویش دانش آموز دارد که نیاز به چنین تقسیم بندی ها محسوس است. یک معلم بالاتر از ظرفیت خویش و با شکم گرسنه در هفته در حدود ۳۰ ساعت تدریس می نماید و معلم در برابر این کار اضافی و تدریس بیشتر هیچ گونه هزینهٔ اضافی دریافت نمی کنند. فشار تدریس و بار سنگین موجب گردیده است که دانش آموزان و تدریس معلمان از کیفیت تهی گردد.

دولت ارقام می دهد که در حدود هشت میلیون و چیزی زیاد و کم اطفال به مکتب می روند. اما در جلب معلمان ورزیده و متناسب با این ارقام دولت کوتاه امده است. رتب معاشات و توزیع معاشات نا برابر و نبود سر پناه از موارد مهم خواست معلم در کشور است که دولت نتوانسته است کوچکترین قدم را در این راستا بر دارد. این دشواری های کنونی بر می گردد به حکومت گذشته و رهبری نا سالم وزارت معارف. باید گفت که حکومت وحدت ملی میراث دار ساختار و رفتاری است که در بستر متعفن و گندیدهٔ فساد اداری سال های حکومت کرزی شکل گرفته است. حکومت قبل از این حکومت فقط با نفاق و ریاء زنده گی کرد و در برابر پیشرفت فرهنگ و رشد معنویت جامعه کاری در خوری انجام نداد.

معلمان با یک زبان می گویند در صنفی که ظرفیت ۴۰ دانش آموز را دارد، ۷۰–۸۰ دانش اموز جابجا شده است و معلم قادر نیست در چنین فضایی که به کوچه و بازار شباهت دارد برنامه های معارف را تطبیق نماید. باور معلمان این است که از جمله هزاران دانش آموز که سالانه از مکاتب فراغت حاصل می نمایند، حتی ده درصد آن قادر به نوشتن و خواندن نیستند. این طعم تلخی است که حکومت فساد پیشه گذشته از خود به حکومت وحدت ملی به میراث گذاشته است. ادعای وزارت معارف این است که در حدود ۸۰ هزار نمره رهایشی برای معلمین توزیع گردیده است، اما این نمره ها را معلمان تا هنوز به چشم ندیده اند و اگر این نمرات به معلمان توزیع گردیده باشد، معلم قادر به ساختمان آن نمی باشد. بسیار بر این باور اند که این سخنان تبلیغاتی است و این تقسیم نمرات فقط در روی خریطه های توزیع نمرات وجود داشته است و بس. معلمی که قادر به تامین اعاشهٔ خود و خانوادهٔ خود نیست، چگونه می تواند برای خود سر پناه بسازد و یا قیمت زمین را تادیه نماید؟

یک اعلامیه یی را که از طرف وزارت معارف پخش شده است خواندم که فقط بخاطر تمرین زبان می توان از آن کار گرفت. مثلاً در اعلامیه چنین آمده است: (رهبری وزارت معارف افغانستان کماکان و به صورت مستمر سعی نموده و در تلاش است تا به منظور بهبود وضعیت مالی و اقتصادی معلمان پلان های همه جانبه را طرح و به حمایت و پشتیبانی دولت و حکومت وحدت ملی به منصهٔ اجرا قرار دهد). فهم این اعلامیه حتی از شعر حافظ هم مشکلتر است. وزارت معارف تلاش می کند و چنین و چنان می نماید. این دولت فقط با کلمات زنده گی می نماید و گویا می خواهد از اخلاف خود پیروی نماید.

از مدت ده روز بدینسو دروازه های شماری از مکاتب در کابل مسدود گردیده است و معلمان دست به اعتصاب کاری زده اند. معلمان می گویند که معاش ناچیز و کار زیاد آنها را به ستوه آورده است. بی تفاوتی دولت، معلمان را وادار ساخته است که دست از تدریس بر دارند. باید گفت که تعدادی از نهاد های مدنی و صنفی نیز حمایت شان را از این اعتراض مدنی ابراز نمودند و به داد خواهی معلم پیوستند. در صورت نه پرداختن دولت به خواست های بر حق معلم، این امکان وجود دارد که دامنهٔ داد خواهی معلمان بیشتر شود و دامنهٔ اعتراضات که از لیسه های حبیبیه و غازی شروع گردیده است دروازه های بسیاری از مکاتب را در شهر ها و ولایات دق الباب نماید. این دولت حد اقل می تواند برای معلم چند قلم مواد اضافی اولیه را تدارک ببیند و رتب معاشات آنها را از قید بست بیرون سازد. طوری که در حکومت های گذشته چنین قیدی در برابر ترفیع و ارتقای معلم وجود نداشته است. امتیازات منطقه یی، نگرانی و مسلکی از حقوق مسلم معلم است که باید به آن رسیده گی شود.

در یک صنف زبان و ریاضی که ۸۰ دانشجو حضور داشته باشد در آن صنف آموزش صورت نمی گیرد. این کار وزارت معارف که میراث گذشتهٔ این وزارت است در قرن ۲۱ علم نیست و نمی شود با برنامه های غیر علمی مردم و نسل جوان کشور را فریب داد. می شود مردم تشنه به علم و معارف را برای یک سال، دو سال و چند فریب داد، اما بنای مستحکم معارف پیشرفته با دروغ، نیرنگ و تخدیر افکار بنا یافته نمی تواند. در چنین شرایط و با چنین روحیه ما باور نداریم که جامعه از طریق معارف کنونی قوام و ثبات پیدا نماید. مسوولین درجه یک گذشتهٔ معارف امروز در کاخ های مجلل زنده گی می کنند و حتی بدون چند محاسب نمی توانند سرمایه های بدست آورده را محاسبه نمایند. روزی فرا خواهد رسید که مردم افغانستان جواب این پرسش های خود را از حکومت های فاسد، بی برنامه و بی توجه به نسل جوان خواهند گرفت.

انتخابات ترکیه و سرنوشت حزب توسعه و عدالت

تکساری



انتخابات ترکیه نه تنها در داخل این کشور؛ بلکه در اوضاع کنونی خاور میانه تاثیر فراوان دارد. حزب توسعه و عدالت ترکیه به رهبری اردوغان از سال ۲۰۰۲ بدینسو قدرت را به صورت کامل در این کشور در دست داشت. بسیاری این حزب و پیشرفت های آن را در حکومت داری به عنوان نمونهٔ پیروزی دیموکراسی اسلامی نگاه می کردند. حزب توسعه و عدالت در دورهٔ حاکمیت خویش به طور آشکار در برابر کمونیست های ترکیه قرار گرفت و این حزب در دوران حاکمیت خویش به وسیلهٔ ارتش و قوهٔ قضائیه بسیاری از نهاد های لیبرال و حتی لائیک را به طرفداری خود فرا خواند و همواره از تلفیق اسلام با سکولاریزم دفاع می نمود.

این حزب با چنین راهکار های مشخص و با یک چنین استراتیژی توانست بدیل مناسب برای ادارهٔ یکی از بزرگترین کشور های اسلامی عضو ناتو، خواهان پیوسته گی به اتحادیهٔ اروپا گردد. حزب عدالت و توسعه بعد از سیزده سال قدرت در این انتخابات اکثریت آراء را نتوانست بدست آورد و از جمله ۵۵۰ کرسی فقط ۴۱ درصد آن را به خود اختصاص داد. ولی سیاستمداران این حزب، به ویژه اردوغان، از سیاست مداران پر قدرت ترکیه است که حرف نخست را در تصمیم گیری های این کشور خواهد گفت. اردوغان تلاش ورزید تا با بدست آوردن نیمی از کرسی های پارلمان و با بر اندازی یک همه پرسی اختیارات ریاست جمهوری را افزایش بخشد و آنرا مشابهٔ سیستم ریاستی ایالات متحده سازد. اردوغان در ایام قدرت خویش، قدرت و اختیارات ارتش را محدود ساخت و در قوای قضائیه که با احزاب اسلامی میانهٔ خوبی نداشت، تغییراتی را بوجود آورد.

نتیجهٔ انتخابات ضربهٔ بزرگی به حزب اردوغان وارد کرد؛ زیرا او امیدوار بود که با کسب اکثریت لازم برای همه پرسی با هدف تغییر قانون اساسی در افزایش اختیارات ریاست جمهوری موفق گردد. این حزب ۲۵۸ کرسی بدست آورد که ۱۸ کرسی کمتر از حد لازم برای کسب اکثریت است. حزب چپ گرای دیموکراتیک خلق ها که در میان گروه های ترکیه هواداران زیاد دارد، توانسته است با کسب ۱۲ درصد از آرا نصاب لازم برای راه یافتن به پارلمان ترکیه را پیدا نماید. اکنون این حزب ۷۴ کرسی را در مجلس این کشور در اختیار دارد.

صدراعظم ترکیه که رهبری حزب عدالت و توسعه را در دست دارد، از تمام احزاب سیاسی خواسته است تا از طرح حزبش برای تغییر قانون اساسی حمایت نمایند؛ و تا اکنون هیچ یک از اعضا آماده گی خود را برای ائتلاف با حزب عدالت و توسعه بیان نه نموده است. در این صورت حزب عدالت و توسعه برای تشکیل کابینه نیاز به ائتلاف با احزاب دیگر دارد. وقتی احزاب مخالف به این خواست جواب مثبت ندهد، دیگر موضوع تغییر قانون اساسی و تبدیل نظام سیاسی منتفی می باشد. هیچ یکی از احزاب مخالف ترکیه به خواست حزب حاکم موافقه نه نموده است؛ زیرا آن ها طرفدار برنامهٔ حزب حاکم نمی باشند.

بر اساس قانون اساسی ترکیه در صورتی که تا ۴۵ روز دیگر حکومت ائتلافی شکل نگیرد، امکان بر گزاری ص۵

مروری بر برخی رویدادهای مهم امنیتی در کشور



۱۶جوزا:

* در نتیجهٔ عملیات های مشترک محاربوی اردوی ملی در شماری از ولایات کشور دیروز یکصد تن ازمخالفان مسلح کشته شده و ۹۶ تن دیگر آن زخمی گردیدند. به اساس معلومات دفتر سخنگوی وزارت دفاع ملی به رسانه ها، در جریان این عملیات ها یک تعداد سلاح و مهمات به دست آمده و یک تعداد ماین های مختلف النوع نیز کشف و خنثی ساخته شده است. این عملیات های محاربوی و تصفیوی اردوی ملی به خاطر سرکوب دشمنان وطن و مردم و استقرار صلح و آرامش، در مربوطات ولایات کنر، لغمان، خوست، لوگر، ارزگان، دایکندی، قندهار و هلمند راه اندازی گردیده بود.

* در روستای سنگ تودهٔ ولسوالی سوزمه قلعه در مسیر جادهٔ شهر سرپل موترحامل مسافران آماج گلوله باری قرار گرفت. به گفتهٔ آمر اوپراسیون قوماندانی پولیس ولایت سرپل به رسانه ها، دراین گلوله باری مهاجمان، یک افسر پولیس که قوماندان پوستهٔ امنیتی سپن سازی در ولسوالی سوزمه قلعه بود با دو غیرنظامی دیگر جان باختند و یک زن هم زخم برداشت.

* ده ها شاگرد لیسهٔ نسوان مرکز ولسوالی پنجاب ولایت بامیان امروز از اثر پخش گاز سمی دچار مسمومیت شدند. مدیر صحت عامه ولسوالی پنجاب ولایت بامیان به رسانه ها گفته که، بیش از سی شاگرد این لیسه حوالی ساعت ۹ صبح امروز مسموم گردیده اند. حالت پنج شاگرد خوب نبوده وعلت این رویداد هنوز مشخص نیست.

* به گزارش رسانه ها، طی حملهٔ، طالبان ولسوالی یمگان بدخشان را تصرف نمودند. گرچه مقاومت در برابر مهاجمان جریان دارد اما تا حال نیروهای دولتی به بازپس گیری این ولسوالی موفق نشده اند. این ولسوالی سال گذشته نیز برای دو روز در تصرف طالبان قرار گرفته بود.

* سخنگوی قوماندانی امنیه فراه به رسانه ها گفته است، ملامحمد حسن یکتن از عالمان دین باشندهٔ ناحیهٔ چهارم شهر فراه زمانیکه برای اشتراک در مراسم فاتحه خوانی یکی از دو ستانش به منطقه کاریز شیخان مربوط شهر فراه رفته بود، از سوی طالبان بازداشت و بعداً به شکل فجیع سربریده شد.

* در انفجار ماین کنار جاده در ولایت قندهار شش تن به شمول چهار زن شهید شدند. سخنگوی والی قندهاربه رسانه ها گفته است، این رویداد در ساحهٔ تفروک مربوط ولسوالی شاه ولی کوت قندهار زمانی رخ داد که یک موتر حامل غیر نظامیان از شهر قندهار به سوی ولسوالی شاه ولی کوت در حرکت بود با ماین کنار جاده برخورد نموده و در نتیجه شش تن شهید شدند. به گفتهٔ منبع، قربانیان این رویداد چهار زن دو مرد، تمامی آنها اعضای یک خانواده می باشد.

* رئیس کمیسیون اقوام و قبایل ولسی جرگه به رسانه ها گفته است که در نتیجهٔ حملهٔ هوایی طیارهٔ بی پیلوت بر مراسم جنازه در ولایت خوست، ۱۵ تن کشته شده اند. گفته شده این حمله حوالی ساعت یک بعد از ظهر دیروز، در منطقهٔ بتی تانه در حالی صورت گرفت که ده ها تن، جنازهٔ یک قوماندان کشته شدهٔ طالبان را به خاک می سپردند. مقامات گفته بودند که در رویداد مذکور ۳۴ تن کشته شده که تمامی آنها مسلح بودند؛ اما باشنده گان محلی گفت اند که در این حمله، کوچی های محلی کشته شده اند. به گفتهٔ رئیس کمیسیون اقوام و قبایل در ولسی جرگه، در این حمله ۱۵ تن از دو خانواده کشته شده که همهٔ آنها افراد ملکی می باشند. به گفتهٔ وی، آنها بعد از اشتراک در مراسم جنازهٔ یک متنفذ قومی، در دو موتر پیکپ که اسناد دولتی نیز داشت، به سوی خانه های خود حرکت کرده بودند که هدف حمله قرار گرفتند.

۱۷جوزا:

* مقام‌های محلی در ولایت غزنی به رسانه ها گفته اند که موتر حامل شرکت کنندگان یک مراسم عروسی پس از چاشت روز جمعه در منطقهٔ "نوغی" در نزدیکی شهر غزنی با ماین کنار جاده برخورد کرده که در نتیجه، ۹ تن کشته و دست کم ۲۰ نفر دیگر زخمی شده‌اند. معاون والی غزنی گفته است که، قربانیان شامل زنان، کودکان و مردانی هستند که از یک مراسم عروسی به طرف خانه باز می‌گشتند.

* مسوولان امنیتی ولایت قندز گفته اند، عبدالعلیم سارنوال امنیت عامه این ولایت در انفجار ماین کشته و یک طفل وی زخمی شده است. قوماندانی امنیهٔ این ولایت به رسانه ها گفته است، این رویداد حوالی ساعت ده قبل از ظهر امروز در مربوطات ناحیهٔ سوم شهر قندز صورت گرفت. به گفتهٔ وی، این ماین از قبل در موتر این سارنوال جا بجا شده بود و پس از انفجار موتر حامل وی نیز حریق گردید.

۱۸جوزا:

* نُه کارمند یک موسسهٔ مین پاکی توسط افراد ناشناس در ولایت لوگر ربوده شدند. فرماندهٔ پولیس لوگر به رسانه ها گفته است که این کارمندان حوالی ساعت دو بعد از ظهر روز یکشنبه –۱۷ جوزا– توسط افراد ناشناس ربوده شده اند. به گفتهٔ وی، این افراد از منطقهٔ دادوخیل در مرکز این ولایت به سوی دشت باری توسط رابایندگان انتقال داده شده اند.

گفته شده که نُه تن افراد موسسهٔ ماین پاکی که ربوده شده بودند، همه رها شده اند.

۱۹جوزا:

* اعضای شورای ولایتی سرپل به رسانه ها گفته است که ۱۴ قریه در ولسوالی سوزمه قلعهٔ این ولایت به تصرف شورشیان در آمده است. اسدالله خرم رییس اسبق شورای ولایتی سرپل به رادیو آزادی گفته است: اگر نیروهای کمکی زمینی و هوایی بزودی نرسند، این ولسوالی سقوط خواهد کرد: "شورشیان صبح روز دوشنبه شش قریه را تصرف کردند و نزدیک های چاشت هم چندین قریه دیگر را نیز گرفتند. نیرو های امنیتی پوسته ها را بدون درگیری رها کردند."

۲۰جوزا:

* فرماندهٔ امنیهٔ ولسوالی گرزیوان به رسانه ها گفته است، بمبی در منزل فرماندهٔ پولیس محلی به نام "صوفی حسن" در روستای "یوخی" این ولسوالی انفجار کرد، که ۵ تن از اعضای این خانواده به شمول این فرمانده کشته و ۲ تن دیگر نیز زخمی شدند.

* رئیس معارف بامیان گفته است که، ۲۶ دختر دیروز در ولسوالی پنجاب این ولایت مسموم شدند. اما علت مسموم شدن آنها مشخص نشده است. چهار روز پیش نیز تعدادی شاگرد دختر درین ولایت مسموم شده بودند.

* امروز نیز برای سومین بار، دوازده دختر دانش آموز در یک مکتب در ولسوالی پنج آب ولایت بامیان مسموم شده اند.

* به گزارش رسانه ها، عارف رحمانی نماینده مردم غزنی در ولسی جرگه به رسانه ها، از ربودن چهار فرد ملکی شامل دو زن، یک کودک و یک مرد که اعضای یک خانواده می باشند، خبر داده است. به گفتهٔ وی، اینها اهالی قریه ده مرده ولسوالی جاغوری اند از منطقه رستهٔ ولسوالی گیلان غزنی ربوده شدند و رباینده گان این افراد را به محل نامعلوم انتقال داده اند.

* قوماندان امنیهٔ ولایت سرپل به رسانه ها گفته است، نیروهای امنیتی این ولایت قاضی عبدالحی مشهور به قاضی عبید ولسوال نام نهاد طالبان برای ولسوالی کوهستانات را با پنجاه تن از افرادش در منطقهٔ لعل و سرجنگل، مرز میان ولایات غور و سرپل بازداشت کرد.

د برما . . .

طیب اردوغان سره په ناستو ولاړو کې له هغه څخه یو څه درس اخستي واې؛ چې د یوازینی مسلمان واکمن په توگه یې د برما بودائیانو ته پیغام ولیږه او د ځینو راپورونو له مخې یې د جنگې کښتیو د ورلیږلو گواښ هم وکړ.

خو کاشکې چې په خپلو پارلماني ټاکنو کې یې داخل هم، د خپلو تېرو دیارلسو کلونو موده کې د پرله پسې بریالیتوبونو په څېر غوڅ اکثریت گټلی واې، خو یې د برما د مظلوم ولس د ملاتړ لپاره خپل ایماني مسوولیت په ډاډه زړه سر ته رسولی واې.

که د اسلامي نړۍ واکمنان او په ځانگړې توگه په یمن کې ښکېل شوی سعودي او ایران خپل تاریخي مسوولیت درک کړي او د تربگنۍ د سیالۍ پالنې د جگړې پرځاې یې یو گواښ د برما بودائیانو ته کړی واې، هم اسلامي امت به ورڅخه خوښ واې؛ خو هغوی هم یو د بشارالاسد د بعثي رژیم څخه ملاتړ کې ناروا جگړې پلوي دی او بل د ایران له وېرې د اسرائیلو سره د همغږۍ فکر کوي مگر د برما یې مظلومو مسلمانانو تنکي ماشومان، مېرمنې او بوډاگان د مسلمانو واکمنانو د بې تفاوتۍ لامله د برمایې ظالمانو په لاس وژل کیږي؛ که دغو مظلومو مسلمانانو اقتصادي ځواکمنتیا لرلې نو بیا به یې هم بخت ژوندی واې او د نواز شریف او پاکستاني استخباراتو پام به ورته راگرځېدلی واې او مرستې ته به یې دانگلی واې!! خو له بده مرغه چې د برما مسلمانان فقیران هم دي. نو که د خلاصون لپاره یې امکانات نلري، د ملگرو ملتونو ستېیج باندې یې خو لگښت نه راځي؟ کم تر کمه خو دې د امنیت شورا ته موضوع راجع کړاې شي او د «بانکي مون» په غوږ کې دې خو یو آذان وکړی او یا دې د بشر د حقوقو لپاره کارکوونکو خپلو کورنیو ادارو غوږونو ته ورسوي؛ ځکه د لویدیځې نړۍ په وړاندې خو بشر په دوه ډوله دی؛ یو د اسلامي هیوادونو وگړي دی چې د هغوی وینه ارزانه ده او بل د اسلامي نړۍ پرته نور بشریت دی، چې اصلاً د بشر د حقوقو اداري د همغوې څخه د ملاتړ لپاره رامنیځته شویدي؛ لکه چې همدا اوس په پاکستان کې د آفتاب بهادر لړکې په اعدام چې ملگرو ملتونو کومه نیوکه وکړه خو په سلگونو او زرگونو معصوم او تنکي ماشومان، بې وزله بوډاگان او بې اسرې برمایې مېرمنې چې بې رحمانه وژل کیږي، نو نه یې ویني.

د اسلامي هیوادونو مشران خو دې په خپلو هیوادونو کې کم تر کمه د ځینو هیوادونو د عفوې نړیوالو سازمانونو په څېر یو غږ خو اوچت کړي؛ پداسې حال کې چې په برما کې خو د برمایې بودایانو په لاس کوچنیان، بوډاگان او ښځې وژل کیږي، د چا چې د وژلو حق د بشر د حقونو له مخې هیچاته هم حاصل ندی.

خو حقیقت دادی چې حضرت عمر فاروق رضی الله عنه ویلې: «چې اسلامي امت ته د جهاد په برکت الله جل جلاله له عزت ورکړی دی او چې کله یې هم جهاد پرېښود، نوبیا به یې ذلت په برخه وي» نن همداسې ټوله اسلامي نړۍ د ذلت په لومو کې گېره ده او هیچا سره د مظلوم د خلاصون لپاره د جهاد روحیه نشته دی، نو الله جل جلاله دې په خپلو بندگانو کې د دې مظلوم ولس لپاره د معتصم بالله پیروان پیدا کړي.

چرا نا امنی و بی توجهی...

که افراد مسلح تنها خریداران محلی ندارند، بلکه مشتریان منطقهٔ و بین المللی نیز می توانند داشته باشند!.

همانگونه که بار گفته شده است، معدن لاجورد، بایست مایهٔ خیر و عامل رشد اقتصاد در بدخشان و افغانستان باشد، متأسفانه عامل جنگ و نا امنی در بدخشان شده است. زیرا افراد از جهات مختلف سعی دارند، این معدن را تحت کنترول خود داشته باشد. بر سر به دست داشتن و کنترل این معدن افراد ذی نفوذ از هر سو سعی می کنند رقیبان محلی خود را دور بزنند. در نهایت این سوء نیت‌ها و استفاده های شخصی حالا فرا محلی شده و پای تروریست ها و افراد بیرونی را به ولسوالی های همجوار کشانده است که یمگان یکی از این ولسوالی ها است.

قاچاق مواد مخدر که به طور سنتی از سوی زورمندان به ویژه برخی از افراد وابسته به چند وکیل و چند قوماندان سودجو، صورت می گیرد، به آتش جنگ در بدخشان نفت می پاشند. با توجه به موقعیت بدخشان که در همسایه‌گی چند کشور قرار گرفته است، بدخشان را به کانون گرم تنش‌ها تبدیل نموده است. جغرافیایی بدخشان آمیخته از جغرافیای ستر و اخفاء است. قاچاقیان می توانند به خوبی از این مزیت بهره ببرند و با تردد بیشتر و حمایت برخی از حلقات، در درون حکومت به خلاف کاری ها ادامه بدهند. موقعیت استراتیژیک، ژئوپولتیک و ژئواستراتیک که اصطلاحات جا افتاده در علوم سیاسی اند، اهمیت خاصی از دید بازیگران به این ولایت داده است. وقتی به موضوع به طور ریشه‌یی نگاه شود، بدخشان دارد به وزیرستان شمالی تبدیل می شود. در میان این همه کش و قوس ها و عوامل دیگر آنچه را اشاره کردم، سبب شده است، تا دشمن در این ولایت لانه سازی نماید وکارد را به استخوان برسانند. بر اساس گفته های شاهدان عینی در بدخشان، حدود دوهزار جنگجوی داخلی و خارجی همراه با خانواده ها شان حضور دارند. اگر دولت مرکزی به بدخشان توجه نه کند، رفته رفته به سنگر اصلی دشمن تبدیل می شود.

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان و مال جهاد کردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.

● مطالب آمده مسترد نمی گردد.

● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا
از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم –سال چهاردهم – شمارهٔ دوازدهم ۲۳ جوزای ۱۳۹۴ ۲۵ شعبان المعظم ۱۴۳۶ 13 June 2015

چرا نا امنی و بی توجهی در بدخشان؟



■ عنایت

بار دیگر از ولایت بدخشان، خبرهای مأیوس کننده شنیده می شود. خبرهای از جنس نفرت و انزجار، خبرهای که ریشه در عمق استراتیژی دشمنان این سرزمین دارد. از چند سال بدینسو خبرساز در بدخشان طالبان اند. طالبانی که به نیابت قدرت های بزرگ و عاملان منطقهٔ در برابر ملت های آزاده می جنگند.

طی روزهای اخیر این گروه تروریستی با حمله به چند پاسگاه پولیس، در مربوطات ولسوالی یمگان، بخش عمدهٔ این ولسوالی را به تصرف خود درآوردند. این در حالیست که در گذشته نیز طالبان با حمله به پوسته های امنیتی در ولسوالی وردوج اقدام به کشت و کشتار زدند. در حمله های قبلی دست کم ۱۷ نفر از سربازان پولیس نظم عامه را شهید و تعدادی را اسیر و مقدار زیادی از وسایل و تجهیزات را با خود بردند. اما در تصرف یمگان تعداد تلفات کمتر بوده است.

مقامات محلی گفته اند که تصرف یمگان از سوی دشمن در پی یک عقبی نیشنی تاکتیکی رخ داده است. اما شاهدان عینی در محل می گویند: نیروهای حکومت وقتی دیدند، حمایت کافی برای رزمیدن ندارند، مجبور شدند، تا عقب نشینی نمایند. خبر تصرف یمگان در حالی رخ داد که چندی پیش در درهٔ خستک تعدادی از سربازان ارتش ملی به شنیع ترین حالت سربریده شدند. هشدارها در رابطه به این موضوع جایی را نگرفت و این بار قسمت از پیکر بدخشان به دست دشمن افتاد است.

خبرهای مبنی بر تصرف شهرستان شهداء یا همان زردیوی قبلی، در رسانه ها پخش شده است. با این حال مقامات امنیتی در بدخشان می گویند که در پی باز پس گیری مناطق از دست رفته هستند. اوضاع بد امنیتی بدخشان همه مردم را نگران کرده است. مردم بدخشان و نمایندگان این ولایت بار ها هشدار داده اند که قضیهٔ بدخشان نباید دست کم گرفته شود. شاهدان از محل می گویند: بر علاوهٔ یمگان و وردوج، تعداد دیگری از ولسوالی ها در این ولایت، در معرض خطر جدی امنیتی قرار دارند.

تصاویر نشان می دهد که در تصرف یمگان جنگجویان غیر بومی نقش اساسی را داشتند. بدخشان که در شمال شرق افغانستان موقعیت دارد، به سه کشور همسایهٔ (پاکستان، چین و تاجیکستان) مرز مشترک دارد. بدخشان در سال جاری تا اکنون شاهد چندین حملهٔ خونین از سوی دشمنان بوده است. نا امنی ها در بدخشان از ۵ سال پیش آغاز شده بود. سال ۸۸ بود که خبرهای ناخوشایند، از این ولایت پخش می شد. درآن زمان هشدارهای مردم، احزاب سیاسی و نمایندگان واقعی بدخشان از سوی حکومت مرکزی کمتر شنیده شد و در واقع به مسئله ای بدخشان سلیقه ای برخورد صورت گرفت.

اکنون بدخشان به یک زخم خونین تبدیل شده است. اما چرا نا امنی و تلفات در بدخشان؟ به عنوان یک شهروند بدخشان بارها نوشتم که قسمتی جنگ در بدخشان ریشه در اختلافات درونی سران بدخشان به ویژه نمایندگان بدخشان در مجلس دارد. این نمایندگان بر سر منافع شخصی از نا امنی ها همواره سود برده و می برند. برخی از نمایندگان بدخشان به خاطر منافع فردی در ابتدا از سیاست مسلح سازی افراد بی سرو پا کار گرفتند، تا رقیبان محلی خود را تهدید و سر به نیست کنند. افراد مسلح مربوط به این‌ها، با ایجاد رعب و وحشت در دهات زمینهٔ مداخلهٔ فرصت طلبان بیرونی را مساعد ساخت و برای آنان جای پا باز نمود. شاید فکر نکرده بودند، وقتی کسی مسلح می شود، ارتباطش گسترده و فرامرزی می شود. ممکن اصلاً تصور نکرده بودند ص۷

گپ هایی

در مورد ختم و یا دوام کار مجلس نماینده گان

□ مصباح شعیب

در حالیکه قرار است دورهٔ شانزدهم کاری مجلس نماینده گان افغانستان در اول سرطان سال جاری به پایان برسد، بگو مگوهای از سوی بُرخی نماینده گان، تحلیل گران و آگاهان امور بر سر مشروعیت و عدم مشروعیت این قوه، بر سر زبان هاست. در صورتی که حکومت افغانستان می توانست انتخابات را به زمان تعیین شده مطابق قانون اساسی کشور راه اندازی می نمود حرف ها و انتقاد هایی به آدرس این نهاد قانون گذار و حکومت واریز نمی شد. بدون تردید، تأخیر در انتخابات مجلس نماینده گان نقض صریح قانون اساسی می باشد.

برخی نماینده گان مجلس، به مادهٔ ۸۳ فصل شورای ملی استناد می نمایند که در آن آمده است: (دورهٔ کار ولسی جرگه به تاریخ اول سرطان سال پنجم، بعد از اعلان نتایج انتخابات به پایان می رسد و شورای جدید به کار آغاز می نماید.) در ادامهٔ آن آمده است: (انتخابات اعضای ولسی جرگه در خلال مدت سی الی شصت روز قبل از پایان دورهٔ ولسی جرگه برگزار می گردد.)

اما؛

غلام نبی فراهی وزیر دولت در امور پارلمانی گفته است: "به عقیدهٔ من هنوز ولسی جرگه صلاحیت دارد، تصمیم اتخاذ می کند و بر اساس قانون اساسی هم حق نظارت را دارد و هم از تصویب قوانین را و تا زمانی که وقت پوره می شود من متیقن هستم که تصمیم اتخاذ می گردد."

*

اعضای مجلس سنا از حکومت خواسته اند تا انتخابات مجلس نماینده گان را هرچه زودتر برگزار کند. فضل هادی مسلمیار رئیس سنا گفته است: "قانون اساسی حکم می کند که بعد از اول سرطان و انتخابات، پس انتخابات باید مشخص گردد، اگر بر اساس مجبوریت ها دو تا سه ماه به تعویق افتد مشکلی ندارد، اما اگر روزش مشخص نگردد پس پیشنهاد من این است که هر آن چیزی که از ولسی جرگه به این جا مواصلت ورزد، غیر قانونیست." اما برخی نماینده گان مجلس نماینده گان، این اظهارات رئیس مجلس سنا را غرض آلود خوانده اند.

*

جاوید فیصل یکی از سخنگویان ریاست اجرائیه گفته است، حکومت متوجه این موضوع است که دورهٔ قانونی مجلس نمایندگان رو به پایان است؛ اما ما دنبال تفسیر قانون اساسی هستیم تا یک راه قانونی برای تداوم کار مجلس نماینده گان دریافت شود.

*

معاون سخنگوی ریاست جمهوری گفته است، رئیس جمهور از چند روز بدینسو رایزنی را در مورد آغاز کرده است تا قبل از پایان کار مجلس نماینده گان، سرنوشت این مجلس را روشن سازد.

*

رئیس کمیسیون عدلی و قضایی مجلس نماینده گان یگانه راه برون رفت از این معضله را اعلام تقویم انتخاباتی و عمل بر بنیاد قانون اساسی، وانمود کرده است.

*

اما برخی کارشناسان حقوقی بدین باور اند که، هیچ فرد، هیچ مقامی، هیچ ارگانی، صلاحیت ندارد که قانون اساسی را نقض و خلاف قانون اساسی، دورهٔ کاری مجلس نماینده گان را تمدید کند.

منتظر تصمیم تا اول سرطان!

د برما مسلمانان د معتصم بالله په انتظار



■ شفیق

نږدې یو کال وړاندې په برما کې د روهینګایي مسلمانانو لپاره په یو ویشتمه پېړۍ کې هم (چې پکې هرځای د بشر د حقونو ادارو زمزمې غړېږي او لویدیځه ټولنه یې د کریدت تېږې په سینو هم وهي) فراعنه پیداشو او د بودایي دین پیرو برمایانو له لاسه ورته ژوند اور شو؛ ځکه مسجدونه خو یې پرېږده؛ بلکې شخصي هستوګنځي یې هم وسوځول شو او له خپلو پلرنیو هستوګنځیو او سیمو څخه په زور وشړل شول او د ژوند له نعمت څخه محروم شول. چې هغه مهال هم د بشر د حقونو زمزمه کوونکې خپل غوږونه کاڼه کړل.

نو څوک به دا تصور وکړي چې بنایې یو بل معتصم بالله پېداشي او د عباسي معتصم بالله په څېر د یوې مسلمانې خور د خلاصون لپاره (چې د واه معتصم بالله چېغه یې وهلې وه) راودانګي او ورپسې مجاهدین ولېږي؛ نن د روهینګایي مسلمانانو سترګې د داسې یو معتصم بالله پېداکېدو ته اوړي او راوړي په ګاونډ کې یې پروت پاکستان، که د خپل اتومي ځواک په نشه کې په افغانانو باندې د څولسیزو راهیسې د ظلم میچنو ګرځولو کفاره اداء کول غواړي نو همدا یې وخت دی؛ ځکه له یوې یې ګاونډیتوب د دې غوښتنه کوي او له بلې خوا د اتومي ځواک لرلو برلاسي، خو کاشکې واکمن یې یوغیرتي مسلمان واې او یایې د ۷مخ